

خاطره‌نویسی از حقیقت تا هنر

راهنمای عملی خاطره‌نویسی، چالش‌های فردی
و تنگنای ادبی در نوشتن داستان‌های واقعی

نویسنده: جودیت بارینگتون

مترجم: ابوذر کرمی

نشر لوح زرین

سرشناسه	: برینگتن، جودیت، ۱۹۴۴ م - Barrington, Judith
عنوان و نام پدیدآور	: خاطره نویسی از حقیقت تا هنر writing the memoir: راهنمای عملی خاطره نویسی، چالش‌های فردی و تنگناهای اخلاقی در نوشتن داستان‌های واقعی / جودیت بارینگتون؛ مترجم ابوذر کرمی.
مشخصات نشر	: تهران: لوح زرین، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۳ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۲-۰۲۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
بب‌داشت	: عنوان اصلی: writing the memoir.
موضوع	: خود سرگذشت‌نامه نویسی
موضوع	: Autobiography
موضوع	: سرگذشت‌نامه نویسی
موضوع	: Technical reports
موضوع	: گزارش نویسی علمی و فنی
شناسه افزوده	: کرمی، ابوذر، ۱۳۵۷ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱۲۰۴۰۲۵
رده بندی دیویی	: ۳۵۹۲/۸۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۷۲۰۴۵

خاطره نویسی از حقیقت تا هنر

تألیف: جودیت بارینگتون

مترجم: ابوذر کرمی

ناشر: لوح زرین

لیتوگرافی و چاپ: واصف

شمارگان: ۱۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خ جمالزاده جنوبی، خ کلهر، پلاک ۲۸، واحد ۸،
تلفن: ۶۶۹۱۸۱۵۵ - ۰۹۱۹۴۸۲۸۸۲۸

کلیه حقوق نشر محفوظ است.

فهرست

۵	سیاسگی ری
۷	مقدمه
۱۱	فصل یک - «اظر، چیست؟»
۲۹	فصل ۲ - اهمیت خاطره‌نویسی، و مطالبی در باب شروع کار
۴۱	فصل ۳ - یافتن فرم
۵۵	فصل ۴ - حقیقت: چه، چرا، و چگونه
۷۳	فصل ۵ - صحنه، خلاصه و تأمل
۸۷	فصل ۶ - حرکت در زمان
۹۹	فصل ۷ - استفاده از حواس
۱۱۱	فصل ۸ - نام بردن
۱۱۹	فصل ۹ - نوشتن درباره‌ی زندگان
۱۲۷	فصل ۱۰ - خاطره‌ی شما و دنیا
۱۳۵	فصل ۱۱ - گرفتن بازخورد در مورد کار

مقدمه

امروزه با حضور خوانندگانی که تشنه‌ی روایت‌های شخصی هستند، خاطره‌نویسی بیش از پیش رشد کرده است. با این حال، سفره‌ی دل خود را با صراحت با کزن، نشانند آن است که فرد جرئتش را داشته باشد. این البته دلایل متفاوت دارد. امروزه تلقی‌ای که از مردان می‌شود این است که آن‌ها دغدغای بررونی و تعمق جدی را ندارند؛ صراحت به خرج دادن در مورد زندگی درونی و روابط مردان هنوز به شکل عذاب‌آوری مثل تجاوز به نقش مرده برداشت می‌شود. از نظر زنان، نوشتنی که عمیقاً شخصی باشد می‌تواند شرمی علیه نقش مورد انتظارشان باشد؛ هرچند انتظاری که از ما زنان می‌رود این است که دغدغهی زندگی درونی، روابط و خانواده را داشته باشیم، ولی ما داستان‌هایمان را طوری تنظیم می‌کنیم که نزدیک‌ترین حالت به خود را راضی کرده، آن را بهتر جلوه داده یا با آن همدستی کنیم.

همین که شروع کردم به نوشتن درباره‌ی زندگی خودم، متوجه شدم که سخن صادقانه در مورد خانواده و اجتماع به این معناست: عدم رعایت مقررات، قرار گرفتن در معرض اتهام به خیانت و مسئولیت لو دادن افسانه‌هایی که خانواده‌ها و جوامع می‌سازند تا از خودشان در مقابل حقایق دردناک محافظت کنند. برای هر کسی که به این وادی نزدیک شود اوضاع چنین است، حتی قبل از این که نوشتن برای او دردسرساز بشود.

به مرور زمان به یک جستجوگر حقیقت بدل گشتم. من که در اوایل جنبش فمینیسم فعال بودم و آگاه‌سازی‌ای که بر زندگی دقیقاً موشکافی شده، اصرار داشته باشد خمیر مایه‌ام را شکل داده بود، در بین ۲۰ تا ۳۰ سالگی به چالش کشیده شدم تا برای دومین بار و بعدها برای چندمین بار نگاهی به واقعیت‌های زندگی‌ام بیندازم. از پیشگامانی چون ویرجینیا وولف^۱ الهام می‌گرفتم و به خاطره‌های متنوع زنان و مردان خیرخواهی که در طول سالیان متمادی می‌نوشتند عشق می‌ورزیدم. من شاهد بودم جنبش‌های اجتماعی‌ای که به وجود آوردیم - جنبش‌هایی که اعضای آن، قبلاً در ادبیات به حاشیه رانده یا ناپدید شده بودند - چگونه هم در عزم برای بیان داستان‌هایمان و هم در دسترسی‌مان به چاپ و نشر آن‌ها تغییراتی بنیادی ایجاد کردند. شکوفایی نظرات و آرا، راه را برای بیشتر افراد هموار کرد تا داستان‌هایشان را بگویند.

من از طریق شر به خاطره‌نویسی روی آوردم. هرچند وزن و صور خیال در شعر غالباً مرا به سوی داستان‌هایی که می‌خواستم بگویم سوق می‌داد، ولی خود را بیشتر محتاج گستردگی نثر می‌دانستم تا آن‌ها را بیشتر بکاوم، حتی بعد از این که آن‌ها را به نظم درآوردم. از آن‌جا که همیشه نمی‌توانستم واقعیت‌های پی‌ریزون یک یاد را به خاطر بیاورم، متوجه شدم در حال سرهم کردن برخی جزئیات و شاخ و برگ دادن به داستانی هستم که جوهره‌ی آن فرم می‌طلبد. من گفتم: آیا منظورم آن بود که باید داستان بنویسم؟ واقعاً چقدر می‌توانستم مطالب سرهم کنم؟ آیا اصلاً می‌توانستم به حافظه‌ام اعتماد کنم؟ قوانین خاطره‌نویسی چه بودند؟

وقتی به این سؤالات دقت می‌کردم چیز زیادی دستگیرم نمی‌شد. گه‌گاه با دوستان نویسنده درباره‌ی حقیقت و خاطره گفتگو می‌کردم.

۱. Virginia Woolf (۱۸۸۲ - ۱۹۴۱): بانوی نویسنده‌ی انگلیسی و منتقد ادبی - م.

هر از گاهی با یک داستان‌نویس در مورد حد و مرزهای داستان و خاطره بحث می‌کردم. آن‌قدر خاطره می‌خواندم تا چیزی نصیبم شود و به توانایی خیره‌کننده‌ی خاطره در سازگار کردن فرم خود در داستان نویسندگان متفاوت و موضوعات متعدد پی ببرم. در مورد رابطه‌ی آن با مقاله‌های رسمی‌تر - که در مدرسه آموخته بودم - بنویسم و در مورد آن‌ها به آن‌ها باید دستی به سر و روی تکنیک‌های قدیمی بکشم یا سعی کنم آن‌ها را فراموش کنم، تفکر می‌کردم.

پس این کتاب عالی دارد که زمانی هر چه آن را می‌جستم نمی‌یافتم. این کتاب، باب دنگو را در مورد خاطره‌ای که در آغاز کار می‌خواستم داشته باشم از من می‌گرفت و به سؤالات اصلی که به ژانر خاطره و سؤالاتی که با عمومیت بیشتر به نثر مربوط می‌شوند، می‌پردازد. هنوز بعد از این که سال‌ها خاطره‌نویسی را تدریس می‌کنم، چند تعریف زبان‌شناختی و دستوری نیز ارائه می‌دهم که بسیاری از شاگردانم - که نویسندگان برتری هستند - از آن‌ها بی‌بهره ماندند [چون به آن‌ها توجه نمی‌کنند].

در طول پنج سالی که از چاپ این کتاب گذشته، سؤالات فراوانی - اعم از ناامیدکننده، فوق‌العاده به یاد ماندنی و متوسط - را شنیده‌ام و اگر در این ویراست جدید فرصتی پیش آید که به برخی از این کتاب‌ها اشاره کنم، استقبال خواهم کرد. همچنین در این مدت به تدریس خاطره‌نویسی در کلاس‌ها و کارگاه‌ها ادامه دادم. شاگردانم علاوه بر این که به قسمت پیشنهادهایی برای نوشتن واکنش‌هایی عالی نشان دادند، ضروری‌ترین دغدغه‌های‌شان را نیز شناسایی کردند. در نتیجه، من بخش‌هایی را گسترش دادم تا موضوعات مربوط به فن و مسئولیت را کامل‌تر بحث کنم؛ موضوعاتی که آن‌ها بیش از هر چیزی مطرح می‌کردند و با اشتیاق بیشتری به بحث می‌گذاشتند.

امیدوارم این کتاب، کسانی را که می‌خواهند داستان‌هایشان را بیان کنند تشویق کند. کسانی که مدت‌ها به حاشیه رانده شدند، اگر صادقانه از زندگی شخصی‌شان نگویند، کمتر می‌توانند غبار به‌جای مانده از این سال‌ها را کنار بزنند و دیگران را روشن کنند. مشغولیت فکری همه‌ی ما با بیان حقیقت باعث می‌شود بسیاری از دروغ‌های جامعه به چالش کشیده شود، اعم از این‌که این دروغ‌ها ریشه در خانواده - که اغلب خشونت را در درون خود انکار می‌کند - داشته باشد یا در قدرت‌های ملی و بین‌المللی که خشونت خود را انکار می‌کنند و آن را «حفظ صلح» می‌نامند.

اگر بخوانیم صادقانه از زندگی‌مان بنویسیم، باید روی مهارت‌های هنری کار کنیم و به‌خودشان بخشیم تا خاطره‌هایمان بتوانند به‌طور مؤثر لایه‌های عمیق حقیقت را منتقل کنند. این امر مستلزم آن است که با همه‌ی سؤالات روبرو شویم: «آیا واقعاً می‌توانم آن داستان را بگویم یا مادرم ناراحت می‌شود؟ ...» رنج از افرادی که از همه به ما نزدیک‌ترند، وفاداری ما را به شکل سکونت خواستار شده و با این کار ما را مجبور به هم‌دستی با دروغ‌ها و افسانه‌ها کرده‌اند. با این حال، نمی‌توانیم با چاپ شتابزده که همراه با عصبانیت است به آن احوار واکنش نشان دهیم. ما نویسندگان وقتی سخت به حقایقمان پیوند هستیم، باید مسئولیت‌مان را نیز در قبال چیزی که می‌نویسیم در نظر بگیریم.

در این کتاب، فرض را بر این می‌گذارم که خواننده می‌خواهد به بالاترین معیارهای ادبی برسد و ابزارهایی را برای نویسندگان خلاق ارائه می‌کنم. به هر حال، امیدوارم این کتاب به خیل عظیم کسانی که هنوز به فکر انتشار مطلبی نیفتاده‌اند کمک کند.